

اعلامیه مطبوعاتی

کاروان‌های هجرت و مرگ، ننگی بر پیشانی رژیم‌های حاکم (ترجمه)

صحنه‌های مهاجرت بیش از ۵۰ هزار تن از مسلمانان مراکش به سوی شهر «سبتة» که در اشغال اسپانیا قرار دارد، به امید عبور به خاک اسپانیا، صحنه‌هایی به شدت دردناک بود؛ صحنه‌هایی که عمق خواری، شکستگی و درماندگی مهاجرانی را به نمایش گذاشت که زمین را فرش و آسمان را لحاف خود ساخته بودند و حتی چیزی برای رفع گرسنگی خویش نمی‌یافتند. سپس بیش از ۶۸ تن جان باختند و پس از چند روز رنج، تحقیر و درماندگی، بیش از ۴۸ هزار تن دوباره بازگردانده شدند.

این صحنه بار دیگر خاطره همان منظره‌هایی را زنده ساخت که سال‌هاست به دیدن آن‌ها عادت کرده‌ایم؛ کاروان‌های مرگ و مهاجرت مسلمانانی که به سوی اروپا روان‌اند و در جست‌وجوی زندگی با عزت می‌باشند، پس از آن‌که حکام مسلمانان با جنگ، کشتار، فقر و گرسنگی، زندگی را بر آنان به جهنم تبدیل کرده‌اند. این صحنه‌ها سال‌های طولانی است که حتی یک روز نیز متوقف نشده‌اند؛ موج پس از موج از تونس، مراکش، لیبیا، الجزایر، سودان، سومالی، سوریه، فلسطین، لبنان، عراق و دیگر سرزمین‌ها، چه بسیار کودکانی که پیکرهایشان بر سطح آب شناور شد، به ساحل افکنده شدند یا طعمه ماهی‌ها گردیدند! چه بسیار جوانان نیرومندی که رفتند و هرگز بازنگشتند! و چه بسیار زنانی که پس از گریه‌های طولانی از شدت ستم، نیازمندی و زندگی در جاده‌ها، اشک‌هایشان خشکید!

این صحنه‌ها تنها چشم‌ها را به گریه نمی‌آورند، بلکه دل‌ها را نیز می‌گیرانند. گناه همه این مردم چیست، جز این‌که در سرزمین‌هایی زندگی می‌کنند که کسانی بر آن‌ها حاکم‌اند که در حق مردم نه خویشاوندی را رعایت می‌کنند و نه پیمانی را، و در برابر الله سبحانه و تعالی درباره ملت‌هایشان تقوا پیشه نمی‌کنند؟ آنان جوانان را بدون کار، درآمد و کرامت رها کرده‌اند و باقی مردم را نیز در روزی و معیشت‌شان زیر فشار قرار می‌دهند، تا جایی که زندگی را برای آنان به تنگنا، رنج و مشقت تبدیل کرده‌اند.

در حالی که جوانان ثروت عظیم بشری به شمار می‌روند؛ ثروتی که بسیاری از دولت‌های جهان، در رأس آن اروپای پیر، از کمبود آن رنج می‌برند و با طرح‌ها و برنامه‌های پی‌هم می‌کوشند آن را به دست آورند، حکام ما این ثروت و نعمت را به نعمت و عذاب تبدیل کرده‌اند. آنان سرزمین‌ها را در بیکاری، فقر و سرکوب غرق ساخته‌اند، تا آن‌جا که مهاجرت به دغدغه‌ای همیشگی تبدیل شده که بیشتر جوانان امت را بی‌خواب کرده است.

سرزمین‌های اسلامی در دوران خلافت، قبله جهانیان و مقصد کاروان‌ها بود؛ مردم برای دانش، روزی و کرامت به آن‌جا می‌آمدند، زیرا این سرزمین‌ها بر اساس شریعت حق و عادلانه پروردگارشان اداره می‌شدند. اما هنگامی که استعمارگر کافر خلافت را منهدم ساخت و زمام امور امت را به حکامی سپرد که شریعت الله سبحانه و تعالی را تعطیل کردند، اوضاع دگرگون شد و فقر، عذاب و خواری بر ما فرود آمد؛ مصداق این فرموده الله متعالی:

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ [طه: ۱۲۴]

ترجمه: هرکس از هدایت من پیروی کند، نه گمراه می‌شود و نه به بدبختی می‌افتد؛ و هرکس از یاد من روی بگرداند، بی‌گمان زندگی تنگ و دشواری خواهد داشت.

از همین رو، امت بیش از هر زمان دیگری نیازمند آن است که خلافت بر منهج نبوت را برپا کند تا اسلام عظیم را همان‌گونه که خلفای راشدین در تمام امور زندگی تطبیق کردند، امروز، نه فردا، تطبیق نماید. رویدادها، تاریخ و تجربه‌ها آنچه را اسلام بیان کرده، به اثبات رسانده‌اند: خلافت یگانه راه زندگی با عزت برای امت اسلامی بوده و همچنان باقی خواهد ماند.

خلافت جوانان امت را به ثروتی تبدیل خواهد کرد که سراسر جهان به آن رشک برد و سرزمین‌های ما بار دیگر قبله جهانیان و بهشت الله سبحانه و تعالی در زمین گردد. الله متعالی می‌فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ [الأعراف: 96]

ترجمه: اگر مردم شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، قطعاً برکات آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم؛ ولی آنان تکذیب کردند، پس ما نیز به سبب اعمالی که انجام می‌دادند، آنان را گرفتار (عذاب) ساختیم.

دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

شمارهٔ صدور: 1448 هـ / 022

19 صفر سال 1448 هـ.ق.

2 آگست سال 2026 م.

مترجم: محمد مزمل